



## درس فراج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۱۸ اسفند ۱۳۹۹

موضوع جزئی: مسئله ۲۳- تمه: بررسی مشروعیت الزام به حجاب در حکومت اسلامی - دیدگاهها

مصادف با: ۲۴ رجب ۱۴۴۲

سال سوم

جلسه: ۹۷

# «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

در بحث از مشروعیت الزام به حجاب در حکومت اسلامی، تا اینجا جهات دهگانه‌ای را ذکر کردیم برای اینکه موضوع بحث به درستی مشخص شود. بعد دو مقدمه گفتیم که این دو مقدمه از مقدمات تأثیرگذار در بحث است؛ یکی اینکه حجاب یک امر فردی دارای اثر اجتماعی است، و دوم اینکه حکومت اسلامی ماهیتاً با سایر حکومت‌ها از جهات مختلف و مهم‌ترین آن، اهداف، چه اهداف میانی و چه هدف غایی تفاوت دارد. مسئولیت‌هایی بر عهده حاکم اسلامی هست که سایر حاکمان در حکومت‌های دیگر این مسئولیت‌ها را چه بسا نمی‌پذیرند.

### دیدگاه‌ها

اقوال و انظار در این باره مختلف است، در باب مشروعیت یا اینکه اساساً حکومت چنین حق یا اختیار یا مسئولیتی دارد یا ندارد، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد.

### دیدگاه اول

برخی بر این عقیده‌اند که این مسئولیت و حق و اختیار برای حکومت اسلامی ثابت است و می‌تواند الزام کند زنان و مردان را به پوشش، هر کدام متناسب با خودشان؛ و هیچ محدودیتی هم در این الزام نیست. یعنی به نحو مطلق این حق و اختیار برای حکومت ثابت است؛ چه در کنار این مسئولیت به وظیفه ترویجی و تبلیغی درباره حجاب عمل کند و چه عمل نکند.

### دیدگاه دوم

برخی بر این عقیده‌اند که حکومت اسلامی حق و اختیار دارد برای الزام، اما این یک مجموعه‌ای از وظایف و مسئولیت‌ها را در برمی‌گیرد که الزام یکی از آنهاست. یعنی معتقدند باید اقدامات فرهنگی، بسترسازی، اقدامات ترغیبی و تشویقی و ترویجی برای حجاب صورت بگیرد و آن وقت در کنارش الزام هم واقع شود.

### دیدگاه سوم

عده‌ای بر این عقیده‌اند که حکومت به طور کلی نمی‌تواند الزام کند زنان یا مردان را به پوشش شرعی و آنچه که به عنوان تکلیف بر آنها واجب شده است. تنها مسئولیت حکومت اسلامی عبارت است از اقدامات فرهنگی و تبلیغی و بالا بردن سطح آگاهی نسبت به این موضوع. به عبارت دیگر ایجاد انگیزه درونی در افراد برای عمل به این تکلیف دینی؛ و الا وضع قانون و مقررات و مجازات برای کسانی که حجاب را رعایت نمی‌کنند، این اساساً جزء وظایف و اختیارات حکومت اسلامی نیست.

### دیدگاه چهارم

سرانجام هم عده‌ای بر این عقیده هستند که حجاب یک امر کاملاً فردی است؛ حالا این گروه که قبلاً هم اشاره کردم آنها هم بعضاً روی این مسأله تأکید می‌کنند که حجاب یک امر فردی است و تنها کاری که حکومت می‌تواند انجام دهد فرهنگ‌سازی است؛ اما گروه آخر به طور کلی می‌گویند مسأله تکالیف دینی یک عمل فردی است و دولت و حکومت هیچ مسئولیتی نسبت به این امر ندارد و اساساً این مسائل را از حوزه مسئولیت و اختیارات و تکالیف دولت و حاکمیت خارج می‌دانند؛ حتی در حد تبلیغات و فرهنگ‌سازی انکار می‌کنند که این مسئولیت حکومت باشد.

البته اینجا فقط از باب اشاره عرض کنم که در نظر این گروه طبیعتاً دولت به معنای مدرن، یک مفهوم جدیدی است که این در گذشته شاید سابقه‌ای نداشته و ما وقتی بحث از دولت به میان می‌آوریم، دولت یک تعریفی دارد در دنیای امروز، یک کارکردهایی دارد و لذا ما نمی‌توانیم دولت به معنای مدرن و جدید را از کارکردهای تعریف شده مشخص ذاتی اش تهی کنیم یا یک سری اموری را به آن اضافه کنیم. طبیعتاً برخی افرادی که مسلمان هم هستند ولی عقاید خاصی در باب دولت و حکومت اسلامی دارند، این با بعضی از آن نکات دهگانه‌ای که در گذشته اشاره کردم سازگار نیست؛ لذا بهتر است به دیدگاه این گروه نپردازیم. چون یک اختلاف مبنایی در اینجا وجود دارد که اساساً حکومت اسلامی شاید از دید خیلی از اینها آن معنا و مفهوم خودش را ندارد (و چه بسا به زبان نمی‌آورند) اما مآلاً این دیدگاه سر از انکار و نفی حکومت اسلامی در می‌آورد؛ یا اگر هم این را انکار نکنند، مثلاً بعضی از این افراد می‌گویند حکومت اسلامی و دینی نداریم بلکه حکومت مسلمانان و دینداران داریم؛ فرق است بین حکومت دینی و حکومت دینداران. می‌گویند حکومت دینداران یعنی اینکه دینداران حاکم شوند ولی دینداران که حاکم می‌شوند باز آنها هم یک سری وظایف و اختیارات مشخص دارند. ما این گروه اخیر را اگر بخواهیم وارد بررسی انظار و دیدگاه آنها شویم، در واقع یک اختلافات ریشه‌ای و مبنایی پدید می‌آید که پرداختن به آن اختلافات ریشه‌ای و مبنایی از چهارچوب بحث ما خارج است.

### **دو دیدگاه کلی**

اما عمده در مورد این دیدگاه‌ها، دو دیدگاه است. یعنی اگر بخواهیم بعضی قیود یا شروطی که در این نگاه‌ها وجود دارد، آنها را کنار بگذاریم به طور کلی دو دیدگاه در اینجا وجود دارد؛

۱. یکی دیدگاه مشروعیت الزام به حجاب در حکومت اسلامی. وقتی می‌گوییم مشروعیت، این یک معنای عام دارد؛ مشروعیت یعنی اینکه می‌تواند، این حق را دارد، این مسئولیت را می‌توانیم به عهده حکومت بگذاریم که بتواند در این امر مداخله کند. اما اینکه لزوم دارد این منظور نیست؛ وقتی می‌گوییم مشروعیت، این اعم از این است که می‌تواند و جایز است این کار را بکند و اینکه باید این کار را بکند؛ خود این اعم است؛ اصل مشروعیت اعم است از جواز و لزوم؛ لزوم الزام حکومت نسبت به حجاب یا جواز الزام حکومت نسبت به حجاب. ما برای همین عنوان مشروعیت انتخاب کردیم؛ چون ممکن است در یک شرایطی اساساً کسی بگوید الان به دلیل این شرایط این حکم نباید پیگیری و تعقیب شود؛ عیب ندارد، ما داریم حکم اولی را بحث می‌کنیم. اصلاً اگر دولت یا حکومت اسلامی بخواهد در این موضوع وارد شود، آیا مجاز و مشروع است؟ این را گفتیم اعم از این است که مسأله به نحو لزوم مطرح شود یا به نحو جواز. پس یک دیدگاه، دیدگاه مشروعیت الزام به حجاب در حکومت اسلامی است.

۲. دیدگاه دیگر دیدگاه عدم مشروعیت است؛ یعنی می‌گویند مشروع نیست و حکومت اسلامی نمی‌تواند در این امر داخل شود.

ما همه آن دیدگاه‌ها را در این دو دیدگاه جمع می‌کنیم. کسانی که می‌گویند نمی‌تواند، گاهی بالاخره یک ادله‌ای می‌آورند، این ادله ممکن است سر از نفی لزوم در آورد یا ممکن است سر از نفی جواز در بیاورد؛ خیلی این تفکیک‌ها در بین ادله صورت نگرفته است.

لذا مجموعاً دو دیدگاه در اینجا داریم؛ دیدگاه مشروعیت و دیدگاه عدم مشروعیت. هر کدام از این دو، ادله‌ای را ذکر کرده‌اند؛ باید ادله دیدگاه مشروعیت را که حدود هفت یا هشت دلیل است را بررسی کنیم. این ادله از ناحیه صاحبان دیدگاه دوم مورد نقد قرار گرفته و باید نقدهای آنها را بررسی کنیم. به علاوه، قائلین به دیدگاه دوم خودشان یک ادله‌ای بر نفی مشروعیت ذکر کرده‌اند که آنها را هم باید بررسی کنیم. لذا مجموعه‌ای از ادله این دو دیدگاه باید در این مقام مورد بررسی قرار گیرد. اگر بخواهیم وارد این ادله شویم، همانطور که خدمت دوستان عرض کردم فردا تعطیل است و فقط چهارشنبه و شنبه و یکشنبه را داریم؛ از طرفی هم برخی از حضار محترم در اینجا تقاضا داشتند که درس تعطیل شود. اول مطلب هم هست و لذا یک فاصله چند هفته‌ای داریم. بنابراین از ابتدای ادله این دیدگاه‌ها، ان‌شاءالله برای بعد از تعطیلات می‌گذاریم و زمان آن را به دوستان اعلام خواهیم کرد. منتهی چون چهارشنبه بحث تعطیل است و امروز آخرین جلسه درسی است، بحث شرح رساله الحقوق را که شروع کرده بودیم، این را به هم به یک جایی برسانیم.

### شرح رساله الحقوق

در باب اولین حق از حقوق زبان که عبارت از گرامیداشت و حفظ زبان از بدگویی و بدزبانی است، برخی از مهم‌ترین مصادیق بدگویی و بدزبانی را ذکر خواهیم کرد. اولین آن غیبت بود. مطلبی که از بحث غیبت باقی مانده، برخی آثار اخروی غیبت است؛ چون گفتیم یک آثار دنیوی دارد و یک آثار اخروی. آثار دنیوی هم تارة فردی است و اخری اجتماعی است؛ ما آثار دنیوی علی کلا قسمیه را بیان کردیم؛ آثار اخروی باقی مانده است. این را هم با استناد به روایات به چند اثر اشاره می‌کنم؛ البته این آثار محصور در این موارد نیست و بیش از اینهاست اما چند مورد را ذکر می‌کنم.

### ب) آثار اخروی غیبت

آثار اخروی که می‌گوییم یعنی آثار پس از مرگ، یعنی آثار مربوط به عالم برزخ و عالم قیامت. چون اعمال انسان هم در برزخ گریبان انسان را می‌گیرد و با انسان قرین است و هم در قیامت. فرقی هم نمی‌کند چه عمل صالح باشد و چه عمل طالح. ۱. در روایتی از رسول گرامی اسلام (ص) وارد شده که می‌فرماید: «مَرَزْتُ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي. عَلَى قَوْمٍ يَخْمِشُونَ وَجُوهَهُمْ بِأُظْفَارِهِمْ فَقُلْتُ يَا جِبْرَائِيلُ مَنْ هَؤُلَاءِ فَقَالَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَعْتَابُونَ النَّاسَ وَ يَقَعُونَ فِي أَعْرَاضِهِمْ»، انس بن مالک می‌گوید رسول خدا (ص) فرمود شب معراج من به گروهی عبور کردم که صورت خودشان را با ناخن‌ها و چنگال خودشان خراش می‌دادند؛ از جبرائیل سؤال کردم اینها چه کسانی هستند؟ عرض کرد: اینها کسانی هستند که غیبت مردم را می‌کردند و به دنبال اعراض و آبروی مردم بودند. اینها کارشان این بوده که غیبت می‌کردند و تعقیب می‌کردند اعراض و آبروی مردم را. تازه این برای عالم برزخ است؛ هنوز که عالم قیامت برپا نشده است؛ شب معراج که پیامبر (ص) رفته، حال اینها را در عالم برزخ دیده و این

استمرار دارد الی یوم یبعثون؛ تا زمان قیامت این حالت هست. ممکن است الان به نظر ما اینها یک چیزهای تشبیهی و تمثیلی باشد در حالی که حقیقی است. اگر کسی با ناخن صورتش را چنگ بزند خیلی دردآور است؛ صورت چه بسا در بین قسمت‌های مختلف بدن پوستش نازک‌تر است؛ غیر از دست و جاهای دیگر است. این ناخن اگر روی دست کشیده شود، اینقدر آزار نمی‌دهد که روی صورت کشیده شود. شما یک ناخن روی صورت کشیده می‌شود ببینید چه زجری دارد؛ حالا تمام ناخن‌ها و چنگال‌ها آن هم دائماً می‌تکرار شود، آن هم خود انسان این کار را انجام دهد، بسیار دردآور و زجرآور است. کسانی که غیبت می‌کنند از دیگران و دنبال آبروی دیگران می‌روند، اینها در عالم برزخ این سرنوشت را دارند؛ اینطور هم نیست که بگوییم این فقط برای آن گروه بوده است؛ نه، این در حقیقت یک اثری است که برای این گروه یعنی غیبت‌کنندگان و دنبال‌کنندگان اعراض و آبروی مردم همیشه است؛ یعنی این وضعیت جاری و ساری برای انسان‌ها است.

ادله و روایات دیگری داریم که کسی که غیبت می‌کند، غیبت به چه شکل و حقیقتی در می‌آید و موجب اذیت و آزار می‌شود. چهره باطنی غیبت را گفتیم؛ در عالم برزخ این چهره باطنی آشکار می‌شود.

۲. دوم اینکه کسی که در روز قیامت غیبت می‌کند، بوی بدی از دهان او بیرون می‌آید که از بوی مردار گذش بیشتر است. این روایت را از امام صادق (ع) خواندیم؛ حضرت از قول رسول خدا (ص) فرمود: «قَالَ مَنْ اغْتَابَ امْرَأً مُسْلِمًا بَطَلَ صَوْمُهُ وَ تَقِضَ وَضُوءُهُ وَ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَفُوحٌ مِنْ فِيهِ رَائِحَةٌ أَتْنُ مِنَ الْجِيفَةِ»، این شخص در روز قیامت می‌آید در حالی که از دهان او بویی بیرون می‌آید که از بوی مردار بدتر است. بوی مردار چقدر آزاردهنده است؛ غیبت‌کننده در روز قیامت از دهان او چنین بویی به مشام می‌رسد، هم خودش را آزار می‌دهد و هم دیگران را. پناه بر خدا که با یک چنین وضعیتی باز هم دست از این کار برنمی‌داریم.

۳. رسوایی در روز قیامت؛ رسوایی در این دنیا بد است. بالاخره رسوایی را همه درک می‌کنند که به چه معناست. این مراتب دارد؛ ممکن است همه ما به نوعی این معنا را لمس کرده باشیم، با مراتب و اندازه‌ها و درجات مختلف. تازه رسوایی در این دنیا هم با همه این چیزهایی که پیش می‌آید؛ شما فرض کنید که کسی در این دنیا یک رسوایی پیدا کند اما رسوایی و فضاحت در آن عالم دیگر مربوط به مردم یک زمان و یک عصر نیست، مربوط به یک نسل نیست بلکه همه بشریت این رسوایی را می‌بینند و مشاهده می‌کنند. «مَنْ مَشَى فِي غَيْبَةِ أَخِيهِ وَ كَشَفَ عَوْرَتَهُ كَانَتْ أَوَّلُ خُطْوَةٍ خَطَاَهَا وَضَعَهَا فِي جَهَنَّمَ وَ كَشَفَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ عَلَى رُءُوسِ الْخَلَائِقِ»، می‌فرماید کسی که به دنبال غیبت برادرش باشد، به دنبال کشف سر او باشد، اولین قدمی که برمی‌دارد در جهنم وارد می‌شود؛ یعنی به سرعت وارد جهنم می‌شود و خداوند سر او را در بین خلائق کشف می‌کند؛ او را مفتضح می‌کند. آنجا افتضاح او «علی رءوس الخلائق» است؛ یعنی در عالم ملکوت پیش همه چه انسان و چه غیر انسان، رسوای دو عالم می‌شود و وارد جهنم می‌شود.

۴. یک روایتی هم داشتیم که قبلاً خوانده‌ایم و اینجا هم می‌شود به آن استناد کرد و آن اینکه گفتیم کسی که غیبت می‌کند اعمالش حبط می‌شود و می‌رود به حساب غیبت شونده؛ روز قیامت این خودش یک اثر بسیار سنگینی است که با دست خالی وارد صحرای محشر می‌شود؛ یعنی همه آنچه که از حسنات و عبادات جمع کرده بود می‌رود به حساب آن کسی که غیبت او را کرده است. «يُؤْتَى بِأَحَدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُوقَفُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَ يُدْفَعُ إِلَيْهِ كِتَابُهُ فَلَا يَرَى حَسَنَاتِهِ فَيَقُولُ إِلَهِي لَيْسَ هَذَا كِتَابِي فَإِنِّي لَا

أَرَى فِيهَا طَاعَتِي فَيَقَالُ إِنَّ رَبَّكَ لَا يَضِلُّ وَلَا يَنْسِي ذَهَبَ عَمَلِكَ بِاِغْتِيَابِ النَّاسِ»، پرونده خالی است، همه اعمال خوبت با اغتیب از بین رفت. «ثُمَّ يُؤْتَى بِآخِرٍ وَيُدْفَعُ إِلَيْهِ كِتَابُهُ فَيَرَى فِيهِ طَاعَاتٍ كَثِيرَةً فَيَقُولُ إِلَهِي مَا هَذَا كِتَابِي فَإِنِّي مَا عَمِلْتُ هَذِهِ الطَّاعَاتِ فَيَقُولُ إِنَّ فُلَانًا اغْتَابَكَ فَدَفَعْتُ حَسَنَاتَهُ إِلَيْكَ»، همه سرمایه‌های او یک جا منتقل می‌شود به آن کسی که غیبتش را کرده است. کمتر چیزی است که این اثر را داشته باشد.

۵. پنجمین اثر این است که غیبت کننده حتی اگر توبه کند، آخرین کسی است که وارد بهشت می‌شود. آثار قبلی همه برای این بود که توبه نکند، اینکه گناه نکردن آسان‌تر است از توبه بعد از گناه، یکی از جلوه‌هایش اینجا در مسأله غیبت است؛ غیبت نکردن بهتر از این است که انسان غیبت کند و بعد توبه کند. یکی از آثار غیبت ولو توبه کند، این است که آخرین کسی است که وارد در بهشت می‌شود و اگر توبه نکند اولین کسی است که وارد جهنم می‌شود. این روایت از امام صادق(ع) است که می‌فرماید: «وَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى مُوسَى (ع) مَنْ مَاتَ تَائِبًا مِنَ الْغِيْبَةِ فَهُوَ آخِرُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ وَمَنْ مَاتَ مُصِرًّا عَلَيْهَا فَهُوَ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ»<sup>۱</sup> خداوند تبارک و تعالی به موسی وحی کرد که اگر کسی بمیرد در حالی که از غیبت توبه کرده، آخرین کسی است که وارد در بهشت می‌شود؛ بالاخره این غیبت ولو توبه هم کند رتبه و مرتبه او را تنزل می‌دهد. نمی‌دانم ما با این غیبت‌هایی که می‌کنیم اصلاً چیزی به نام مرتبه برای ما قابل تصویر هست یا نه. باید کمی مراقبت کنیم. کسی که بمیرد در حالی که اصرار بر غیبت می‌کند، یعنی اصلاً واقعاً کارش این است و این کار ملکه او شده، اولین کسی است که وارد در آتش می‌شود. اینها یک مصداق از بدزبانی است؛ اینکه حضرت فرموده «فاكرامه عن الخنا» تکریم و بزرگداشت زبان از بدگویی، این یک حق است. تازه این یک مصداق بدگویی است؛ بدگویی چندین مصداق دارد. دروغ، تهمت، نمایی، کذب، اینها همه مصداق بدگویی و بدزبانی است. گفتیم از موارد مهم از مصادیق بدزبانی را در این مجال ذکر می‌کنیم و ببینیم به کجا می‌رسد.

«والحمد لله رب العالمين»

۱. ارشاد القلوب، ص ۱۸۹؛ محجة البيضاء، ج ۵، ص ۲۵۲.